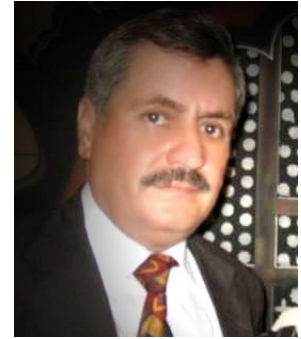


خدیر ایام یا جشن نوروز در پامیر

تحقیق و پژوهش : دکتر خوش نظر پامیرزاد

۱۵ حمل ۱۳۹۱

قسمت سوم - چهره تاریخی رسوم نوروز



رسوم و رواج های نوروزی در سرزمین پامیر با امانتداری محفوظ مانده اند که این رسوم به قدیمترین دور زنده گی آریایی ها پیوند می خورد. تحقیق و پژوهش در آن چهره کاملاً واضح را از نخستین مراحل حیات این اقوام برملا می سازد. اگر چه در اسناد مورخین ، پژوهشگران و دانشمندان صرف از نوروز و جشن سال نو تذکر به عمل آمده ولی از « خدیر ایام » چیزی گفته نشده است . از این رو صحبت از خدیر ایام با رسوم آن گامی در جهت روشن شدن تاریخ قدیمتر فرهنگ ما خواهد بود.

مسئله عیدبودن نوروز در آثار قدما آمده که عید به معنی شادی و خوشی ، و آن شادی مجدد و سروری را گویند که سالیانه تکرار می شود. به این مفهوم که مردم در کنار هم جمع شوند و مراسم خوشی را برپا دارند. این خصیصه نوروز در شعر شاعران بازتاب وسیعی یافته است:

مولانای بلخ می گوید: اندر دل من مها دل افروز تویی یاران هستند ولیک دلسوز تویی

شادند جهانیان به نوروز و به عید عید من و نوروز من امروز تویی

فروغی بسطامی: عید آمد و مرغان ره گلزار گرفتند وز شاخه گل داد دل زار گرفتند

نوروز همان شد و روز می گلگون پیمانان کشان ساغر سرشار گرفتند

شهریار: وقت آن است که با هم ره صحرا گیریم کز دم باد سحری بوی بهار آمد و عید

ابو اقسام حالت:

فصل سرما رفت و عید آمد و خرم بهاری وه چه نوروزی چه خوش عیدی چه نیکو روزگاری

ازرقی: خوش و نکوز پی هم رسید عید و بهار بسی نکوتر و خوشتر ز پار و پیرار

صائب تبریزی: بس که بد می گذرد زنده گی اهل جهان مردم از عمر چو سالی گذرد عید کنند

مسعود سعد سلمان: رسید عید همایون شها به خدمت تو نهاده پیش تو هدیه نشاط و سرور

به رسم عید شها باده مروق نوش به لحن بربط و چنگ چغانه و طنبور

با در نظر داشت اشعار بالا معلوم می گردد که برپا داشتن خدیر ایام در نوروز شاهد برپا داشتن آن رسوم از نیاکان هستیم که هزاران سال بر آن می گذرد. باستانی بودن این عید هم در شعر شاعران بازتاب یافته است؛ شهریار می نویسد:

نوروز تازه می کند آئین باستان ایران نو خوش است بدین خلعت نوی

باستانی بودن نوروز امر مسلمی است که هر محقق و پژوهشگر آن را پذیرفته است. شاعران از آن یادآور شده و طبق ادعای آن ها و اسطوره های قدیمی آریایی این عید به دوره جمشیدی رسد؛ شهریار می گوید:

خجسته باد به ایران باستان نوروز که یادگار ز جمشید کامگار آمد

در گفتار شاعران نوروز را عید آمده که به ادعای برخی از پژوهندگان جشن نوروز در بخش گاتها در اوستا که بخش قدیمی آن می باشد، ذکر به عمل نیامده است. بنابراین ادعا معلوم می شود که عید نوروز مراسمی پیش از آن بوده است. زیرا که زردشتیت علیه رسوم قبلی مبارزه شدیدی به راه انداخته بود که حتی در دوره قدیم تر کتاب اوستا نیامده است.

برخی از پژوهنده گان بر اساس روایتها رواج نوروز را در ایران به ۵۳۸ قبل از میلاد یعنی زمان حمله کوروش به بابل می پذیرند. تعداد دیگری پیشینه آن را در ایران ۲۴۰۰ قبل از میلاد تحقیق کرده اند. اما آن چه مسلم است تاریخ دقیق آن ارائه نگردیده، ولی تاکید بر آن شده است که این جشن در دوره های نخستین مهاجرین آریایی تبار به فلات ایران بوده است.

از تحقیق در تاریخ جشن نوروز یک واقعیت برملا می شود که نوروز از رسوماتی است که آریایی ها آن را در نخستین سرزمین شان داشته که به حواله اوستا و تدقیق پژوهنده گان این نخستین زادگاه آریایی ها آریاناوئجه بوده و آریاناوئجه در موقعیت جغرافیای امروزی پامیریها قرار داشته است. این موضوع را چندین نکته مصداق عملی می بخشد: نخست این که جشن نوروز مراسمی است که قبل از زردشتیت در میان آریایی ها برگزار می شده است. برخی از محققین و مورخین را عقیده بر آن است که نوروز یادگاری از دوره جم بوده که در آئین مهرپرستان اجرا می گردیده است؛ از گفتار فردوسی:

به نوروز نو شاه گیتی فروز به آن تخت بنشست فیروز روز

هرچند تعدادی را عقیده بر آن است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده است. ابوریحان یکی از این دانشمندان است که جشن را به نوروز منسوب می کند و یادآور می شود که آن روز تازه بود، جمشید عید گرفت اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود.

دو دیگر اینکه آئین مهرپرستی به ادعای مورخین در سرزمین آریانای قدیم سر برآورده که به پیشگاه «مپثرا» (فرشته فروغ و روشنی) مراسمی برگزار می شد که آن را در اعصار بعدی به جشن نوروز مسمی ساختند. برگزاری خدیر ایام در پامیر یادگاری از آن دوره است.

مفهوم کلمه «مپثرا» در زبان شغنائی نیز به این ادعا صحه میگذارد. آریایی هایی که به سرزمین هند مهاجرت نمودند؛ مپثرا را به «مپثرا» در زبان سانسکریت تلفظ کردند و آریایی هایی که به فلات ایران امروزی یا پارس و سرزمین های

وسیع ماورالنهر و خراسان مهاجرت کردند؛ میثرا را «مهر» خواندند. میثرا در زبان اوستایی نام الهه «نور و خورشید» است که پیشاپیش طلوع خورشید از بالای کوه هرانیتی می برآید و به نظاره سرزمین ها می پردازد. این کلمه از نظر دانشمندان به مفاهیم مختلفی تعبیر شده ، دارمستتر آن را به معنی خوشی و محبت می داند. برخی آن را بر اساس مفهوم امروزی کلمه «مهر» تحلیل می نمایند که همان محبت و دوستی را می رساند . به نظرم دریافت مفهوم این کلمه از زبان های پامیری معنی آن را دقیقتر افاده می نماید. چنانچه تحلیل کلمه میثرا به زبان شغنائی مفهوم دقیقتر را می رساند . به این ترتیب که میثرا ترکیبی از یک کلمه و یک پسوند است؛ کلمه «مپث» به معنی «روز» و پسوند «را» که مفهوم «پیش» را در زبان دری می رساند. پس میثرا به معنی «پیش روز» می آید و آن تصور همان فرشته «فروغ و روشنی» می باشد.

تعدادی دانشمندان برآنند که نوروز روز ملی و جشن همه کسانی است که در فلات ایران (ایرانزمین) خود و یا نیاکان شان به دنیا آمده اند و تاریخ و فرهنگ مشترک دارند. این دانشمندان برپایه افسانه ها می گویند که سه هزار سال پیش در چنین روزی جمشید از کاخ خود در جنوب ارومیه بیرون آمد و عمیقاً تحت تاثیر آفتاب درخشان و خرمی و طراوت محیط قرار گرفت و آن روز را «نوروز» روز صفا ، پاک شدن زمین از بدیها و روز سپاسگذاری از خداوند بزرگ نامید. نظریه این دانشمندان قابل تدقیق و تامل می باشد. زیرا : اینکه نوروز روز ملی و جشن مشترک همه مردمان فلات ایران است، نکته قابل بحث بوده و باید افزود که سرزمین آریایی ها منحط به ایران حتی به مفهوم وسیع آنها نبوده بلکه بخش بزرگ آن را آریایی های تورانی یا به قول احمد دانش دانشمند شهیر تاجیک «تیرانی» تشکیل میداد که همه اسناد تاریخی مربوط دوره های نخستین آریایی ها به شمول اوستا، ایاتکار زیریران از آن گواهی می دهند. شاهنامه که داستان های زنده گی آریایی ها را در قالب نظم به تصویر می کشد ، با جزئیات بیشتر به آن می پردازد (صرف نظر از اشتباهات تاریخی این اثر) . پس این تاریخ و فرهنگ مشترک همه آریایی ها ست؛ با تفاوت اینکه کاخ جمشید در ارومیه بوده نمی تواند. زیرا اگر از این کاخ صحبت نماییم ؛ پس باید آن را در نزدیکی نخستین خاستگاه آن ها قرار بدهیم . بر اساس اسناد و شواهد دست داشته موقعیت جغرافیایی حیات جمشید را باید در سرزمین های شرقی آریایی جستجو کرد که خاستگاه آریایی ها از آن جا بوده است که به این ترتیب بدخشان محلی است که شواهد تاریخی حیات جمشید را در آن جا تایید می دارند. به این دلیل که ضحاک یا «اژی دهاک» در بهارک بدخشان توسط فریدون سرسلسله آریایی ها از میان رفت که به گواهی اوستا فریدون در «ورنه» یا «ورا شهر» بهارک چشم به جهان گشود. (رجوع شود به مقاله : زادگاه فریدون ، جریده قلم ، شماره ۶۳ ، سال ۱۳۷۵ هـ ، پامیرزاد)

نوروز که سرگذشت طولانی را از سر گذشتانده ، با آئین ها و مراسم خویش مسیر چند هزار ساله را پیموده تا به این دور رسیده و تازه نوروز را کهنسالترین آئین ملی در جهان پذیرفته اند. بی تردید این آئین از مراسم مهرپرستی می باشد که پیشرفت مهرپرستی در نقاط دیگر جهان چشمگیر بوده و یادگارهای بزرگی را درج صفحات تاریخ نموده ولی در سرزمین های شرقی آثار ملموسی دستیاب نشده که محققین و دانشمندان گله از نداشتن آثار تاریخی آن دارند. دانشمند و محقق ایران استاد مرتضی ثاقب فر در سخنرانی اش در جشن مهرگان سال ۱۳۸۶ هـ فرموده است: در مورد مهرپرستی

در ایران هرچه می‌گوئیم فرضیه باشد تلقی کرد. زیرا در میهن خود مهر یعنی ایران حتی کمترین آثار باستانشناختی به Iranshar.org اندازه غرب باقی نمانده است که بتوان بر اساس آن ها دست کم به فرضیه سازی پرداخت .

آئین مهرپرستی رسوم بیشماری را در سرزمین پامیر به جا گذاشته است. اینکه دانشمندان و پژوهنده گان از آن بی خبر بوده ، مطلب دیگری است. به نظر یکی از دلایل اساسی آن است که تخصیص دادن داشته های تاریخی و فرهنگی صرف به ایران که دیگر در جغرافیای آریایی نام ویژه گردیده ، به جای آریایی باعث شده که نه تنها همچو داشته ها از آن آریایی های تورانی از نظر پنهان مانده بلکه حتی تاریخ آن ها نیز در ابهام قرار گیرد.

در رسوم نوروزی آن چه قابل دقت می باشد؛ ساده بودن مراسم آن است. این مراسم عاری از تزئین و آرایش معمول بوده و بیانگر ارتباط مراسم با عناصر طبیعی می باشند. مهرپرستی در تمدن های اقوام دیگر به مجسمه و تصاویر تکیه می کند که دارای معابد بزرگ هستند. در حالی که این نشانه ها در رسومات پامیر به چشم نمی خورد که خود مویذ نخستین قدمه های این اعتقادات در پامیر خواهد بود.

عناصر دخیل در رواج های نوروزی یا خدیرایام در پامیر باستانی بودن آن را تصدیق می دارد که مختصر نگاهی به این عناصر چهره تاریخی آن را مجسم می سازد ؛ به این ترتیب:

★ - موجودیت دو خوشی یا عید (خیر پچار و خیرچزان) شاهد این مدعا اند. زیرا در کتاب اوستا در بخش یشتها ، یشتی به نام « خیر یشت » وجود دارد. دانشمند بزرگ ایران ابراهیم پورداود در تفسیر از اوستا میگوید که روز یازدهم ماه ، خورشید یا خیر روز نامیده می شود . در دو سی روزه (کوچک و بزرگ) به آن درود فرستاده می شود. وی علاوه می کند که گذشته از خورشید که آن را « خیریشت» هم گویند، در « خرده اوستا » یک خورشید نیایش هم داریم.

این بند اوستا نشان می دهد که خورشید در زبان اوستایی « خیر » گفته شده و « خیر» در زبان شغنانی نیز به معنی خورشید یا آفتاب می باشد. مراد از دو سی روزه « چله خورد و چله کلان » خواهد بود که این اسناد چهره قدیمی جشن نوروز یا خدیرایام (جشن یا عید بزرگ) را نشان می دهد که از قول ابوریحان نیز بزرگ و معظم بودن عید نوروز تصدیق گردیده است.

★ - یکی دیگر از شواهدی که باستانی بودن رواج های پامیر را تصدیق میدارد ؛ طبیعت آن است که به طور عموم پامیر در ظرف هفت تا هشت ماه زیر برف بوده و چهار تا پنج ماه دیگر برف ندارد. بر اساس تحقیقات دانشمندان ثابت گردیده که در نزد آریایی های نخستین همواره دو فصل زمستان با ماه های بیشتر و تابستان با ماههای کمتر بوده است . نکته جالب اینکه ماه های سال در شغنان بر اساس طبیعت فصل ها نامگذاری شده اند (هرچند امروز جای نام های شغنانی را نام ماه رسمیات گرفته است)؛ مثلاً: « چلچق مپست » ماه حوت ، ماه های حمل و ثور را « سفخه سپل » (سیل سبزه)، سرطان را « ناش بخ » (پخته شدن زردآلو) ، ماه های اسد و سنبله را « همه خوان بخ » (پخته شدن همه چیز) ، میزان و عقرب را « ذبرف و پبنتی » (انداختن داس) ، ماه قوس را « انبار تپان » (انبار یا ذخیره کردن ؛ مراد از ذخیره کردن آرد است) ، ماه های جدی و دلو را « بخ سیل » (سیل یخ که عموماً در این دو ماه چندین بار دریای پنج

که از وسط شغنان می گذرد چنان یخ بندان می شود که توته های بزرگ یخ چون سیل بر روی دریا سیلان می کنند (می گفتند که این طبیعت زمینه برگزاری چندین جشن یا عید و از جمله عید خدیر ایام را مهیا میسازد.

★ - رسوم نوروزی و جای برگزاری این رسوم خود از آن سوی تاریخ حکایه خواهند داشت. به این صورت که در سپیده دم نوروز کی بانوی خانه خوشبویی « ستبرخم » را بر روی آتش در بالای « خینگک » (قسمتی از بالا سر دیگدان خانه که محل پیوست « چهلک » با دیگدان است) می اندازد که از آن بوی مطبوعی متصاعد می شود. این خوشبویی را به پیشواز فرشته رزق و روزی برپا می دارند . بنا به باور مردم سپیده دمان فرشته رزق و روزی بر روزن هر خانه می آید و قسمت رزق و روزی هر خانواده را می رساند. لذا خوشبویی برپا می دارند که بوی آن در همه ساحات خانه متصاعد شده و به روزن برسد تا فرشته متذکره از آن استشمام نماید.

همین عنونه از زبان هرودت و گزنفن نقل شده است که ابراهیم پورداود دانشمند بزرگ ایران آن را تکرار نموده و گفته است که آتش افروختن یکی از مراسمی بوده و انداختن خوشبویی بر آن نیز جز این مراسم محسوب می شده که فرشته فتح و ظفر از آن بوی خوش لذت برند ، مورخین باستان نیز این رسم آریایی را یاد نموده ، خوشبویی را برای آتش «فدی» گفته اند. (ادبیات مزدیسنا ، یشت ها ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۸)

★ - ترسیم نخچیر در میان قطن گوسفندان نیز حکایه گر آن سوی تاریخ است که بی تردید به دوره مالداري و حتی قبل از آن دوره شکار حیات انسان بر می گردد. هنوز شماره هایی از قواعد و اصول شکار در میان میرگن ها (چند خانواده محدود هنوز هم به قواعد شکار پایند می باشند که میرگن شکاری را گویند) قابل مراعات می باشند. در این خانواده ها پذیرفته شده که نخچیر از جمله رمه های بی بی فاطمة الزهرا می باشد. بدون شک این باور از آن قاعده هایی است که در دوره حیات اولی آریایی ها مسلط بوده که آن ها به نخچیر به عنوان یک حیوان بزرگ برخورد داشتند که بعدها به آن جنبه اسلامی داده و با پذیرفتن دین اسلام نخچیر را از جمله رمه های بی بی فاطمة الزهرا به حساب آوردند. آوردن تصویر نخچیر در رسوم نوروزی همان قدسیت او را نشان می دهد که از باستان محفوظ مانده است.

★ - قماچ یا نان ویژه نوروزی نیز نشانه بی از باستانی بودن این رسم است . به خصوص طرز پخت این نان نمایانگر آن است که این طرز دوره بی از زنده گی قدیمی انسان ها را در خاطر مجسم می سازد که آن ها برای پخت نان هنوز وسایلی چون تابه ، دیگدان ها و امثال آن را بکار نمی برده اند بلکه در آن دوره خمیر مستقیماً زیر آتش می شد که به پاس احترام به جشن نوروز همان طرز در پخت قماچ عمل می شود که هزارها سال پیش صورت می گرفته است. پختن قماچ به صورت قدیمی در میان سایر اقوام آریایی نیز به نظر می رسد. در آداب نوروزی کرمانشاه از آن یاد شده که کردها رسم « په پگ » را در روز اول بهار انجام می دهند. طوری که زن خانواده از آرد ، پیاز خردشده ، نمک و گاهی زردچوبه خمیرنی را درست می کنند و مهره آبی در میان آن پنهان می نمایند و خمیر را به شکل نان ضخیمی در می آورند و آن را زیر خاکستر می گذارند تا بپزد که در اصطلاح کردی به آن « په پگ » گویند. (آداب نوروزی در

social@iran) فرهنگ کرمانشاه

★ - باج : بابا طاهر عریان گوید :

من آن رندم که گیرم از شهان باج بپوشم جوشن و بر می نهم تاج
فرو ناید سر مردان به نامرد اگر دارم کشند مانند حلاج

باج یکی از آن رسومی است که در نوروز اجرا می گردد. کلمه باج در مفهوم امروزی زبان دری استعمال می گردد ، اما نه به معنی اوستایی آن بلکه باج در این زبان به دو مفهوم استفاده می گردد. یکی به معنی خراج، مالیات، عوارض، آنچه که در قدیم پادشاهان غالب از پادشاهان مغلوب و زیردست می ستاندند. یا پولی که راهداران از مسافران بگیرند و به معنی پولی که از کسی به زور گرفته شود، هم گویند؛ حافظ می گوید:

سزد که از همه دلبران ستانی باج از آن که بر سر خوبان عالمی چون تاج

دو دیگر اینکه باج را مشتق از کلمه «وچ» اوستا به معنی گفتار ، سخن ، یکی از مراسم زردشتیان ، خاموشی و سکوت هنگام اجرای بعضی مراسم مذهبی و دعاها که آهسته زیر لب می خوانند.

نظامی گوید: چو آمد وقت خون دارای عالم ز موبد خواست رسم باج و برسم

اوستا شناسان باج را نیایش یا دعای کوتاهی گفته اند که در پامیر این دعا هنگام صرف باج انجام می یابد. در رواجهای نوروز پامیر صبحدم نوروز کدخدای خانواده قبل از صرف باج دعای مختصری در آمرزش ارواح گذشتگان اجرا میدارد. با در نظر داشت مفهوم باج در اوستا روشن می گردد که باج همان غذایی است که امروز مردمان پامیر آن را در نوروز می پزند. متنی در اوستا این مطلب را تایید می دارد. در بند ۲ هات ۱۰ یسنا آمده است:

ای خردمند! زیرین بخش هاون ترا که هوم را فرا گیرد ؛ با باج ستایش می کنیم.

ای خردمند! زیرین بخش هاون ترا که شاخه هوم را با زور بازوی مردانه در آن فرو می گویم ، با باج ستایش می کنم.

(اوستا ، نامه مینوی آئین زردشت ، صفحه ۱۲۲)

از متن یادشده این نتیجه حاصل می شود که باج را در میان هاون می کوبیدند و سپس غذایی از آن می پختند . تفاوت آماده کردن امروز باج با آن عصر در آن است که امروز گندم را در پامیر در میان سنگ بزرگ کلوله با سنگ مسطح بزرگ دیگر می کوبند (هرچند در برخی جاها در بین جواز سنگی نیز آماده می شود) . این شیوه آماده کردن باج مسئله دیگری را هم بیان می دارد و آن اینکه کتاب اوستا که در دست است در زمانی نوشته شده که تطبیق مراسم باج در جایی که عمل می شده آماده کردن آن با سنگ های کلوله بزرگ و مسطح ممکن نبوده باشد. و این دوره ساسانی ها بوده است. در این دوره باج به عنوان غذایی بالای دسترخوان وجود داشته و به پیشگاه بزرگان تقدیم می شده است. در شاهنامه داستانی از آن گواهی می دهد که هرمزد پسر نوشیروان وقتی بر تخت پادشاهی می نشیند ؛ وزیران پدرش را به زندان می اندازد. زردهشت وزیر او برای دیدن آن بزرگان به زندان می رود که در زندان باهم یکجا بر خوان می نشینند که باج بر آن بوده است؛ در داستان آمده است: (شاهنامه ، صفحه ۴۷۶)

فرود آمد آن پیر گریان ز اسب بیامد به نزدیک ایزد گشسب

نهادند خوان پیش یزدان پرست گرفتند باج و برسم به دست

پختن باج در نوروز به عنوان غذای خاص نوروزی دلالت بر آن می نماید که آریایی ها تازه استفاده از گندم را آغاز نموده بودند و این مرحله بی است که انسان ها از دوره مالداري و گلداري به زراعت و کشاورزي گام می گذاشتند و

استفاده از حبوبات در حیات روزمره شان دخیل می گردید. برای آن که به زراعت و کشت و کار روی بیاورند ؛ آن را جزء غذای عیدی خویش قرار دادند تا بیشتر تشویق گردند. تحقیقات نیز در این مسئله به ثبوت رسانده که نخستین بار استفاده از گندم و سایر غله جات در آسیای مرکزی شروع شده است که طرز پخت باج نیز تاییدکننده این واقعیت خواهد بود . این غذا در مرحله مورد استفاده بوده که هنوز انسان به طرز آرد کردن گندم آشنایی نداشته و فقط به شیوه بسیار ابتدایی از آن استفاده نموده اند.

★ - سلامی رفتن و احترام گذاشتن به بزرگان با باج و برین (برش توته نان یا قماچ) نیز خاطره یی از باستان است که در مراسم نوروز به جا آورده میشود. سخنی از شاهنامه آن را تصدیق می نماید:

پرستنده آذر زردهشت همی رفت با باژ و برسم به مشت

مراد از باژ در این جا همان باج است که زردشت با آن به آتشکده می رود و برسم با باژ بدون شک همان باج با برین خواهد بود که توته قماچ را با خود می برند.

★ - کنبن و پرین که ده روز قبل از نوروز آغاز می گردد و با اجرای کلاغزغز به پایان می رسد و نیز اجرای رسم کلاغزغز گویای باستانی بودن رسوم نوروز اند. همین رسوم را در عنعنات اقوام دیگر آریایی نیز مشاهده می کنیم. کردها در شام نوروز مراسم « شلی ملی » را اجرا می نمایند که همانند کلاغزغز پامیر است . در آداب نوروزی در فرهنگ کرمانشاه آمده است : از آداب و رسوم رایج این شب عملی است به نام « شلی ملی » که نوجوانان با خواندن اشعار محلی و دعاکردن به صاحبخانه کیسه یا سبیدی را با طناب از پشت بام خانه آویزان کرده و از صاحبخانه طلب عیدی می کنند و صاحبخانه هم با قراردادن هدایایی مانند تخم مرغ های رنگی در کیسه یا سبد در این رسم مشارکت می کنند. (social@irna.ir)

★ - گرد زدن با آرد بر شانه کسانی که در نوروز به خانه داخل می شوند و نیز گل کاری خانه با آرد نشانه هایی از باستان اند که به علامت فیض و برکت اجرا شده و با آرد قدوم آلمان را گرمی می دارند. پیشکش کردن آرد گواهی از آن دارد که انسان ها تازه استفاده از آرد را شروع کرده و آرد ارزش خاصی در اجتماع دارد.

★ - نکته دیگری که به باستانی بودن نوروز صحه می گذارد ؛ محل یا جای برپا داشتن این مراسم می باشد . این

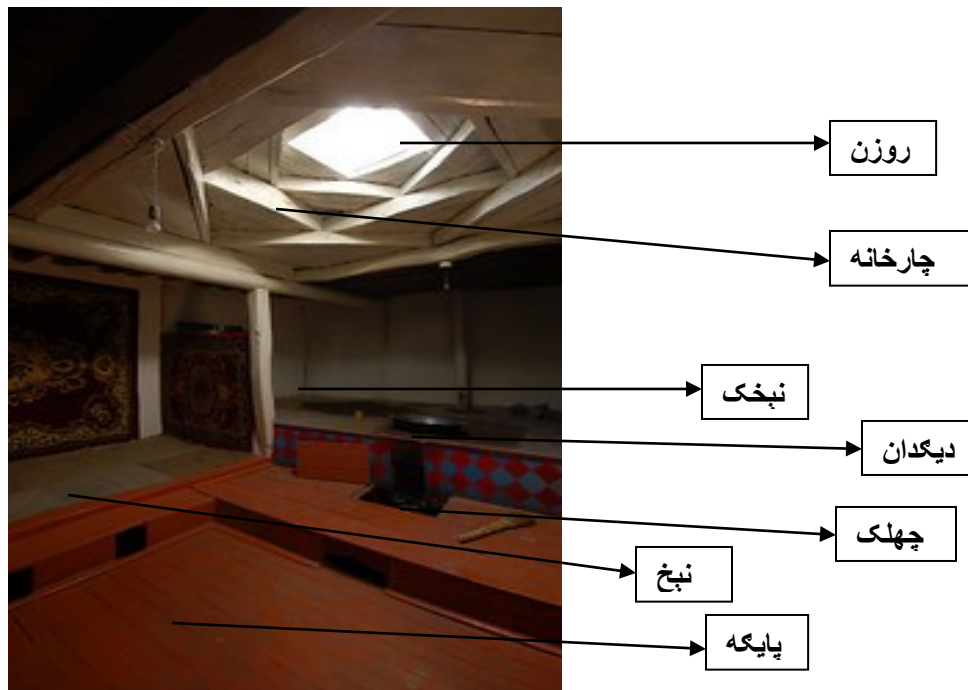


مراسم در خانه هایی برگزار می شوند که دارای ساختمان و نمای ویژه می باشند و امروز به نام خانه های پامیری شناخته شده اند. قرار نظریه دانشمندان این طرز ساختمان دارای سابقه بیش از چهار پنج هزار ساله می باشند. توضیح چگونگی ساختمان این خانه ها از ظرفیت این نوشته خارج بوده صرف به چند جای

بارز ساختمان اشاره می شود که به مراسم نوروز ارتباط پیدا می کنند.

★ - روزن خانه : روزن به معانی مختلف در لغتنامه ها آمده است. یکی از معانی آن سوراخ و شگاف و منفذی که در وسط دیوار باشد، گفته شده است . ولی در جای دیگری سوراخی گفته شده که شعاع آفتاب از راه آن درون خانه در آید. در برهان قاطع از ترجمه تاریخ طبری نقل شده که قابیل . . . اندر نشسته بود . ابلیس بیامد بر شبه یک فرشته و به روزن خانه فرود آمد.

در شعر شاعران نیز روزن در رابطه به خانه یاد گردیده است ؛ به این صورت :



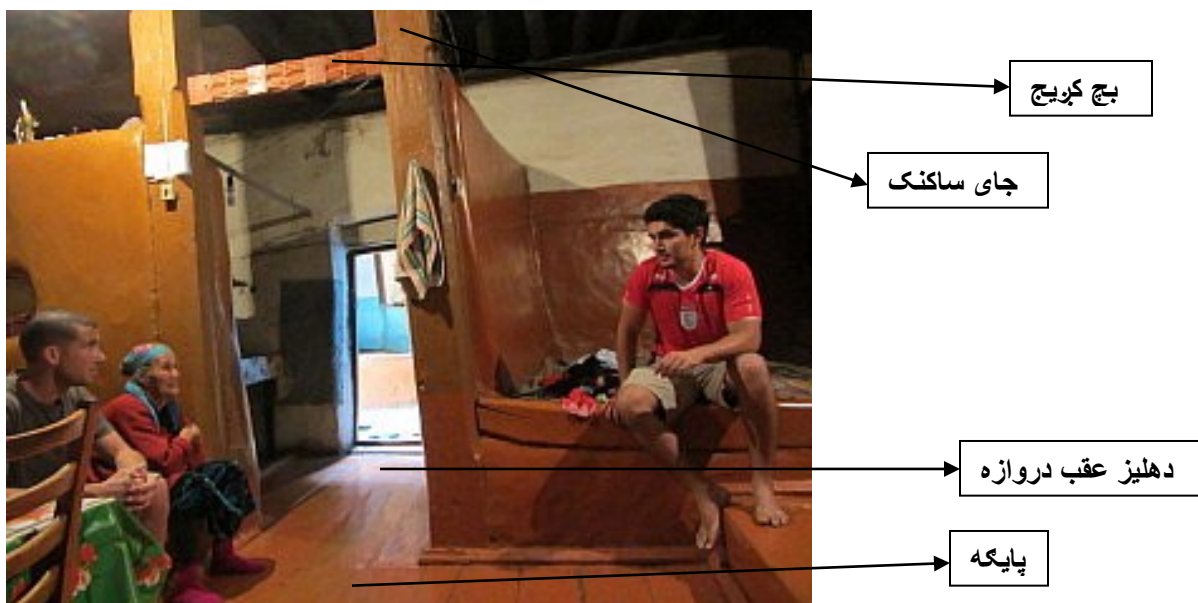
فردوسی:	ز روزن گذشته تن شوم او	بمانده بدان خانه خرطوم اوی
فرخی:	هان که کنون روشنی گرفت چراغت	چند برد دشمنت چراغ به روزن
منوچهری:	به طول و عرض و رنگ و گوهر و حد	چو خورشیدی که بر تابد ز روزن
سوزنی:	هرخانه که آتش کینش فروختند	از باد مرگ دود برآید ز روزنش
سعدی:	آتش از خانه همسایه درویش مخواه	کانچه از روزن او می گذرد دود دل است
(گلشن راز):	پری رو تاب مستوری ندارد	چو دربندی سر از روزن برآید

تعدادی از رسوم نوروز در رابطه به روزن خانه اجرا می شوند که نبود روزن در خانه های عادی خود مانع اجرای این رسومات می گردد. مراسم کلاغزغز ، تعیین اوقات برگزاری جشن ها بر اساس تداخل شعاع آفتاب از داخل خانه ، نگاه نکردن از روزن به داخل خانه هنگام کنش و پریش ، بالا انداختن جاروب پس از خانه پاکی از روزن به بام خانه و امثال

★ - دیگدان خانه : موجودیت دیگدان در خانه مسلماً فضای خانه را به طور دائمی انباشته از دود می سازد. ولی نظر به شرایط جوی و سرد بودن منطقه از یک طرف و اجرای برخی رسوم نوروزی بودن دیگدان در خانه ضرورت عمده و

اساسی می باشد. ساختمان دیگدان در خانه با دیگدان مناطق دیگر کاملاً متفاوت می باشد. به این صورت که اولاً- دیگدان در خانه در یک مرتبه بلندتر نسبت به پایگه و « نیخ یا دکان » قرار دارد. ثانیاً - دیگدان طوری دیوار شده که شکل یک خالیگاه بیضوی یا گود به داخل دیگدان باز می ماند که مواد سوخت را بر آن می گذارند. قسمت بالایی این خالیگاه بیضوی پیوست شده که آن را « خینگک » گویند. جایی که خوشبویی را بر بالای آتش در آن جا می گذارند . این بخش دیگدان کاملاً به مهرابه های پرستشگاه های مهرپرستان شبیه است. این دیگدان جای پخت قماچ ، کچی و باج در نوروز بوده و سپیده دمان خوشبویی را بر آن می گذارند.

★ - ستون ها: هرخانه دارای پنج ستون می باشد که ستون ها پایه های اصلی خانه را می سازند که بر بالای پنج ستون دو تیر بزرگی گذاشته می شوند. یکی از این ستونها وسط خانه قرار گرفته که به نام « بنه ستن » (شاه ستون) یاد می شود. موقعیت این ستون دو نیخ را از همدیگر جدا ساخته و در کنج پایگه با دو نیخ جابجا شده که بیشترین رسوم نوروز به ارتباط این ستون اجرا می گردد. تعیین موقعیت شعاع آفتاب بر اساس نشانه بالای آن که مراسم خیرچزان اجرا می گردد. هم چنان در مراسم قلبه برآری غله جاتی که برای تخم پاشی برده می شوند ، دور این ستون



بسته می شوند. بر علاوه آن دو ستون دیگری که یکی آن در خط مستقیم این ستون در اول نیخ جابجا شده و دیگری حدود یک متر دورتر زیر تیر گذاشته اند که مدخل درآمد از دروازه به خانه می باشند. از این مدخل به طرف راست «بهر نیخ » است و پیشروی آن پایگه که به نیخ دیگری می رسد و به طرف چپ راهی به دیگدان خانه است . بر این دو ستون نیز مراسمی اجرا می گردد. بر ستون چپ جایی برای گذاشتن چراغ وجود دارد که آن را «ساکنک» گویند و از پهلوی آن از مرتبه بالاتر کی بانو حین ورود اشخاص به خانه در نوروز گرد آرد به شانه آن ها می زند. دو ستون متذکره توسط تخته چوبی (یک متر طول ، ده سانتی متر عرض و حدود پنج سانتی متر ضخامت) باهم پیوست شده که آن را «بج کبریج » (بز آویز) گویند. خانواده هایی که در نوروز و یا روزهای دیگر گوسفند یا بز را ذبح می کنند؛ از آن می آویزند.

★ - چارخانه: محلی بر بالای دو تیر از تخته چوب ساخته شده که آن را چارخانه گویند. چارخانه برای معین کردن ورود شعاع آفتاب به خانه بوده و نیز به بالای چارخانه روزن خانه موقعیت یافته است که رسوم کنش و پریش به ارتباط آن صورت می گیرد.

★ - ساختمان داخل خانه: داخل خانه های پامیری به شکل مرتبه دار ساخته می شود. به طور عموم در سه سطح مرتبه خانه وجود دارد. در سطح پایین پایگه است که از موقعیت دو ستون تا نبخ روبرو به شکل مستطیل بوده و پیوست آن با دروازه در یک دهلیز که آن را دهلیز عقب دروازه میگویند، وجود دارد. در سطح بالاتر نبخها و «چهلک» (جایی برای افروختن آتش) قرار می گیرد و در سطح بالاتر از آن دیگدان خانه و نبخک ها می باشند. اجرای مراسم نوروزی در بالای دیگدان صورت می گیرد.

ساختمان این چنین خانه ها با انبوهی از رسومات در آن حکایه از قدیمترین دوره های تاریخی دارد. از این که نخستین حیات آریایی ها در این مرز و بوم بوده و آن ها معتقد به مهرپرستی بودند؛ می توان استنتاج نمود که این خانه ها همزمان جای عبادت آن ها را نیز تشکیل میداده است. این مطلب را ساختمان مهرابه های مهرپرستان نیز تایید میدارد. در توضیح این پرستشگاه ها آمده است که : به پرستشگاه های مهرپرستان مهرابه گفته می شود که از مهر آبه ساخته شده است. آبه به معنی جای گود است. ساختمان مهرابه ها از یک ورودی سپس دهلیز درونی که به سه راهی منتهی میشود؛ تشکیل شده است. تالار روبرو بزرگ بوده و تالار اصلی معبد بوده است. دو راهی که در سمت چپ و راست قرار داشتند؛ تنگتر بوده و سقف آن هم کوتاهتر است. مهراب بالای تالار اصلی قرار می گرفت و عبارت از گودی اندکی در دیوار است. دو مهربان نیز در دو سوی او دیده می شوند. روشنی مهرابه از روزنه های کوچک سقف و یا پنجره های باریک تامین میشد.

با در نظر داشت مطالب بالا نتیجه حاصل می شود که سرزمین پامیر نخستین خاستگاه آریاییها بوده که رسوم و رواجهای این اقوام در این سرزمین با امانتداری حراست شده است. تعدد این رسوم، پامیر را به گنجوری از فرهنگ، ارزشها و داشته های باستانی شفاهی مبدل ساخته است که طی هزاران سال از صدمه هجوم فرهنگهای دیگر مصنون مانده و تا به این عصر رسیده است .

رواج های نوروزی یکی از این ارزش ها است که در طولانی مدت موجودیت خویش را در این سرزمین محفوظ داشته و آن رواج های دوره جمشید و حتی پیشتر از آن را حکایه دارد. عمدتاً چوکات بندی این رواج ها به دوره مهرپرستی می رسد که تا به حال به عنوان یک رسم و رواج در جشن نوروز یا خدیر ایام برپا می گردد.

مأخذ و منابعی که در این نوشتار استفاده شده است:

- پور داود ، ابراهیم ، ادبیات مزد یسنا، یشت ها، بمبئی ، ۱۳۱۰ هـ

- جلیل دوستخواه، اوستا- نامه مینوی آئین زردشت، تهران، ۱۳۴۳ هـ

- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، کابل، ۱۳۶۳ هـ

- جراید و ویب سایت ها

- فرهنگ شفاهی مردم